



# توبه در قرآن

جواد خرمی

## معنای توبه

توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت از گناه است و در اصطلاح عبارت است از: «رجوع از طبیعت [حیوانی] به سوی روحانیت نفس بعد از آنکه به واسطه معاصی و کدورت نافرمانی، نور فطرت و روحانیت محجوب به ظلمت و طبیعت شده است.»<sup>۱</sup> در قرآن هم به معنای «رجوع انسان گناهکار» آمده و هم به معنای

«توفیق توبه دادن از طرف خداوند به بنده معصیت کار» و هم به معنای «قبول و پذیرش توبه از جانب خداوند متعال» آمده است.

در نتیجه، می‌توان گفت: هر توبه‌ای انسان، محفوف و پیچیده شده در دو توبه الهی است: یکی توفیق دادن به بنده برای توبه و دیگری پذیرفتن توبه بندگان است و ممکن است هر سه توبه را به معنای لغوی برگشت داد؛ به این معنی که توبه از انسان، رجوع از گناه و بازگشت از معاصی است و توبه اول از خداوند، رجوع به

۱. چهل حدیث، امام خمینی، نشر فرهنگی رجا،

فضل و رحمتش به سوی بنده است و توبه دوم، رجوع به قبول آن از بنده است.<sup>۱</sup>

در آیه‌ای از قرآن این سه معنی کنار هم جمع شده است؛ آنجا که فرمود: ﴿ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۲</sup> «سپس خداوند به آنها برگشت (توفیق توبه داد) تا توبه و برگشت کنند. خداوند بسیار توبه پذیر مهربان است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الله أفرح بتوبة عبده من العقيم الوالد و من الضال الواجد و من الظمان السارد»؛ خداوند بر اثر توبه بنده اش خوشحال تر است از کسی که عقیم بوده، بچه دار شده و از کسی که گمشده خویشتن را یافته و از تشنه‌ای که به آب رسیده است.»

### تشویق به توبه

قرآن کریم در آیات متعددی مردم را به توبه و رجوع از گناه و بازگشت به درگاه الهی تشویق و ترغیب کرده است: ۱. ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۳</sup> «آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداوند توبه پذیر مهربان است؟»

۲. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾<sup>۴</sup> «بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، به درستی که خداوند بخشنده مهربان است. و به درگاه پروردگارتان باز گردید و در برابر او

۱. رک تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی،

تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۱۷۳.

۲. توبه/ ۱۱۸.

۳. همان، ۱۰۴.

۴. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، بیروت، دارالحسین، دوم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۲۱۲۴.

۵. زمر/ ۵۳ و ۵۴.

تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید.»

در واقع این ندای الهی همیشه در گوش بندگان است که:

هر چه که هستی بیا گر چه که پستی بیا  
توبه شکستی بیا دوست نظر می کند  
نیمه شب خلوت است مظهر هر رأفت است  
عاشق شوریده را دوست نظر می کند  
ای شده غرق گناه خواب گران تا به کی  
چاره درد تو را دیده تر می کند

\*\*\*

۳. در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾؛ «او (خدا) کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد و گناهان را می بخشد و آنچه را انجام می دهید، می داند.»

نکته قابل دقت این است که در واقع، خداوند می فرماید: با اینکه از تمام اسرار زندگی و رفتارهای پشت پرده شما

اطلاع دارم و لحظه به لحظه اعمال شما را زیر نظر داشته‌ام، با این حال توبه شما را می پذیرم.

### وجوب توبه

قرآن کریم تنها به ترغیب و تشویق اکتفا نکرده، بلکه در مواردی دستور اکید و جویی بر لزوم توبه داده است که حتی وجوب آن فوری و بدون تأخیر است؛ منتها بحثی مطرح است که آیا وجوب فوری توبه شرعی و مولوی است و یا عقلی و ارشادی؟

تفصیل این بحث از حوصله یک مقاله خارج است، فقط اشاره کنیم که از آنجا که توبه لطف و رحمتی است از سر امتنان، اگر وجوب آن شرعی باشد، با این امتنان نمی سازد؛ چرا که در صورت عدم توبه، دو مجازات متوجه عاصی می شود: یکی به خاطر اصل گناه و دیگری به خاطر تأخیر و نافرمانی توبه. بنابراین آنچه مناسب به نظر می رسد این است که وجوب آن را عقلی بدانیم و دستورات قرآن را نیز از باب ارشاد و تأکید بر فرمان عقل به حساب آوریم. به نمونه-

هایی از دستورات اکید قرآن در این زمینه توجه فرمایید.

مؤمنان توبه خالصانه را واجب و لازم شمرده است.

### تأخیر توبه، کار شیطان

باز شدن در توبه به روی بندگان، در واقع باز شدن باب رحمت است که زمینه پاکسازی روح و نادیده گرفتن گذشته سیاه بندگان را فراهم می‌کند و به این وسیله، گناهان قبلی که با وسوسه شیطانی انجام گرفته، نابود خواهد شد. اینجاست که شیطان وقتی نقشه‌های قبلی خویش را نقش بر آب می‌بیند، دست به حيله جدیدی می‌زند که عبارت از تأخیر توبه و تسویف و امروز و فردا کردن آن است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: وقتی که آیه ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾<sup>۳</sup> «و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا افتاده، پس برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند. و کیست جز خدا که

۱. همه به سوی خدا برگردید: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup> «و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.» در این آیه در کنار خطاب شفقت آیه ﴿أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾ و بیان ثمره مهم توبه که رستگاری ابدی است؛ فرمان صریح و جویی بر انجام توبه داده است.

۲. ای مؤمنان خالصانه توبه کنید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا توبُوا إِلَى اللَّهِ توبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید! توبه‌ای خالص. امید است پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد کند.» این آیه صریحاً به صورت امر و جویی بر همه

۱. نور/ ۳۱.

۲. تحریم/ ۸.

۳. آل عمران/ ۱۳۵.

گناهان را ببخشد.» نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه رفت و با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد. گفتند: ای آقای ما! چه شده است که ما را فرا خواندی؟ گفت: این آیه نازل شده (آیه‌ای که پشت مرا می‌لرزاند و مایه نجات بشر است.) چه کسی می‌تواند با آن مقابله کند؟

یکی از شیاطین بزرگ گفت: من می‌توانم، نقشه‌ام چنین است و چنان. ابلیس طرح او را نپسندید. دیگری برخاست طرح دیگری داد که آن هم مقبول نیفتاد. در اینجا «وسواس ختناس» برخاست و گفت: من از عهده آن برمی‌آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آنها را با وعده‌ها و آرزوها سرگرم می‌کنم تا آلوده گناه شوند و هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: تو می‌توانی از عهده کار برآیی و این مأموریت را تا دامنه قیامت به او سپرد.»<sup>۱</sup>

در مقابل، رهبران دینی دستور داده‌اند که توبه را تأخیر نیندازید و فوراً به آن اقدام کنید؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا بن مسعود لا تَقْدَمِ الذَّنْبَ وَ لا تُؤَخِّرِ التَّوْبَةَ؛<sup>۲</sup> ای پسر مسعود! گناه را مقدم ندار [و گناه نکن و اگر گناهی سرزد] توبه را به تأخیر نینداز!»

### حال تائب

نقطه آغازین توبه که سخت تحول ساز و تربیت آفرین و اثر ساز و اعجازگر است، حال توبه می‌باشد، یعنی همان انقلاب درونی که در درون تائب ایجاد می‌شود و نشان آن اشکهای روان و ناله‌های بی‌پایان و نفرت و ندامت شدید از گذشته و امید به آینده است و اینکه بداند جز خدا کسی نمی‌تواند این گذشته را جبران کند و تازه این جبران از فضل و کرم اوست، نه استحقاق تائب.

در این زمینه، دعاهای معصومین مخصوصاً مناجات امیرمؤمنان علی علیه السلام و دعاهای امام سجاد علیه السلام و صحیفه سجادیه او غوغا کرده است و

۱. المیزان، علامه طباطبائی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۰، ص ۵۵۷؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۵-۴۷۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۲۱۷۵.

دنیایی از شور و حال و سوز در آنها دیده می‌شود که از حوصله این نوشتار خارج است.

در قرآن کریم نیز حال تائبان از ترک اولی، یعنی انبیاء علیهم السلام و برخی از افراد دیگر مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله:

#### ۱. حضرت آدم علیه السلام: با

اینکه آدم و حوا علیهما السلام ترک اولایی انجام دادند، با این حال به شدت از گذشته خویش پشیمان شدند و نخستین گام را اعتراف به ظلم و ستم بر خویشان، در پیشگاه الهی قرار دادند و سالها اشک و ناله کردند و ﴿قَالَ رَبِّنا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۱</sup> گفتند:

پروردگارا! ما به خویشان ستم کردیم، و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود.» و بعد از سالها گریه و زاری توبه آدم علیه السلام

پذیرفته می‌شود که ﴿قَاتَبَ عَلَيْهِ﴾<sup>۲</sup> «پس توبه او را پذیرفت.»

#### ۲. حضرت یونس علیه السلام:

حضرت یونس علیه السلام بر اثر ترک اولی گرفتار زندان شکم ماهی عظیم (نهنگ) شد و خیلی زود متوجه ماجرا گردید و با تمام وجودش رو به درگاه خدا آورد و از ترک اولای خویش استغفار کرد و سراسر وجودش را حال توبه فرا گرفت و مشغول گفتن ذکر معروف یونسیه شد که ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۳</sup> «پس او در میان ظلمتها [ی متراکم] فریاد زد که معبودی جز تو نیست، منزه‌ی تو، من [بر خویشان ستم کردم و] از ظالمان بودم.»

این اعتراف خالصانه و این حال و سوز توأم با ندامت و آن تسبیح و یاد خدا باعث استجاب دعاى او شد که خداوند در قرآن فرمود: «ما دعاى او را

۲. بقره/ ۳۷.

۳. انبیاء/ ۸۷.

۱. اعراف/ ۲۳.

اجابت کردیم و از غم و اندوه نجاتش دادیم و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.<sup>۱</sup>

### ۳. حضرت داود علیه السلام:

حضرت داود علیه السلام نیز بر اثر عجله در قضاوت احساس کرد ترک اولایی را مرتکب شده؛ لذا در مقام استغفار و توبه برآمد و با سوز و گداز و حال توبه به رکوع و سجود افتاد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَوَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾<sup>۲</sup> «داود گمان کرد ما او را [با این ماجرا] آزموده‌ایم. از این رو، از پروردگارش طلب آمرزش کرد و به سجده و رکوع رفت و انابه کرد.»

موارد فوق نشان می‌دهد که انبیاء و اولیاء علیهم السلام از ترک اولی هم به خود می‌لرزیدند و گریه و ناله می‌کردند. این همان حال توبه است که اگر در

انسان ایجاد شود، سخت سازنده و تحویل آفرین است.

### شرائط و ارکان توبه

در شماره ۵۹ مجله مبلغان ارکان و شرائط توبه از دیدگاه روایات بررسی شده است. آنچه در اینجا بیان می‌شود، همان شرائط و ارکان است براساس آیات قرآن.

#### الف. ارکان توبه

۱. پشیمانی از گذشته: اصلی‌ترین رکن توبه این است که تائب از گذشته پشیمان باشد. این همان است که در آیات زیادی با جمله ﴿إِلَّا مَن تَابَ﴾<sup>۳</sup> و یا ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا﴾<sup>۴</sup> بیان شده است و البته گاهی از پشیمانی به اعتراف تعبیر شده است: ﴿وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ﴾<sup>۵</sup> «و گروه دیگر به گناهشان اعتراف کردند»

۲. تصمیم بر ترک در آینده: این شرط را می‌توان از این آیه استفاده کرد:

۳. مریم/۶۰؛ فرقان/۷۰.

۴. بقره/۱۶۰؛ مائده/۳۴.

۵. توبه/۱۰۲.

۱. همان، ۸۸.

۲. ص/۲۴.

﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ ... وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛<sup>۱</sup> «پس برای گناهان خود طلب آمرزش کنید ... و برگناه اصرار نمی‌ورزند [و دوباره آن را مرتکب نمی‌شوند] در حالی که می‌دانند.» این شرط ازارکان توبه شمرده می‌شود.

### ب. شرائط قبولی

۱. انجام عمل صالح: این شرط در آیات متعددی مطرح شده است؛ گاه به صورت: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا﴾؛<sup>۲</sup> «مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل شایسته انجام دهد.» و گاه به صورت بیان مصداق اعمال صالح، از جمله: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛<sup>۳</sup> «پس اگر توبه کنند و نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

۲. اصلاح گذشته: شرط دیگر قبولی توبه جبران و اصلاح گذشته است. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛<sup>۴</sup> «مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند که خداوند بخشنده مهربان است.»

جبران گذشته به این است که هم حقوق مادی و معنوی مردم را اداء و هم حقوق خداوند را جبران کند.

### ج. شرائط کمال توبه

در قرآن برخی شرائط دیگر مطرح است که می‌توان آنها را شرائط تکمیلی و کمال توبه دانست. به عنوان نمونه، به دو مورد اشاره می‌شود:

۱. اعتصام بالله و اخلاص: در قرآن کریم می‌خوانیم ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ اعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَ أَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾؛<sup>۵</sup> «مگر آنها که توبه [و جبران] و اصلاح کنند و به [دامن

۱. آل عمران / ۱۳۵.

۲. فرقان / ۷۰؛ مریم / ۶۰.

۳. توبه / ۵.

۴. نور / ۵؛ همین مضمون در این آیات نیز آمده

است: نساء / ۱۶؛ بقره / ۱۶۰؛ آل عمران / ۸۹.

۵. نساء / ۱۴۶.



لطف] خدا چنگ زنند و دین خود را برای خدا خالص کنند. آنها با مؤمنان خواهند بود و خداوند به افراد با ایمان پاداش عظیمی خواهد داد.»

روشن است که چنگ زدن به لطف الهی و اخلاص ورزی در کمال توبه تأثیر دارد نه در اصل آن.

## ۲. توبه نصوح کردن: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید، توبه‌ای خالص، امید است [با این کار] پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد کند.»

برای توبه نصوح تفسیرهای مختلفی شده است که در مجموع می‌توان گفت: توبه نصوح آن است که علاوه بر ارکان توبه و شرائط قبولی آن، شرائط کمال را نیز دارا باشد. شاهد این تفسیر آن است

که در غالب تفسیرها شرائطی ذکر شده که همه از شرائط کمال به حساب می‌آیند، نه ارکان و شرائط قبولی؛ مثلاً برخی گفته‌اند: توبه نصوح آن است که واجد سه شرط باشد: ترس از اینکه پذیرفته نشود، امید به اینکه پذیرفته شود، و ادامه اطاعت خدا. و یا اینکه «توبه نصوح» آن است که گناه خود را همواره در مقابل چشم خود ببینی و از آن شرمند باشی و یا اینکه گفته شده: «توبه نصوح» آن است که در آن سه شرط باشد: کم سخن گفتن، کم خوردن و کم خوابیدن. و برخی نیز گفته‌اند: توبه نصوح آن است که توأم با چشم گریان و قلبی بیزار از گناه باشد.<sup>۲</sup>

و شاهد دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در پاسخ به «معاذ بن جبل» از توبه نصوح فرمود: «أَنْ يَتُوبَ التَّائِبُ ثُمَّ لَا يَرْجِعُ فِي ذَنْبٍ كَمَا لَا يَعُودُ

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۰ - ۲۹۱؛ ر. ک؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۶۷۶۶؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، صص ۳۱۷ - ۳۱۸.

اللَّيْنُ إِلَى الضَّرْعِ؛<sup>۱</sup> آن است که شخص توبه کننده به هیچ وجه بازگشت به گناه نکند؛ آن چنان که شیر به پستان هرگز برنمی‌گردد.»

روشن است که چنین توبه‌ای، کمال توبه شمرده می‌شود نه ارکان آن و اگر انسانی که توبه کرده دوباره همان گناه را انجام دهد و دوباره توبه کند، توبه‌اش پذیرفته می‌شود، ولی توبه کامل شمرده نمی‌شود. در نتیجه، نصوح بودن به هر معنایی باشد، نشانه کمال توبه است.

به شرائط قبولی و کمال توبه اشاره دارد آنچه در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «أَتَدْرُونَ مَنْ التَّائِبِ قَالُوا اللَّهُمَّ لَاقَالَ إِذَا تَابَ الْعَبْدُ وَ لَمْ يُرِضِ الْخُصْمَاءَ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَزِدْ فِي الْعِبَادَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ لِبَاسَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ رُقَاتَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ مَجْلِسَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ فِرَاشَهُ وَ وَ سَادَتَهُ فَلَيْسَ

بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ خُلُقَهُ وَ نَيْبَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَفْتَحْ قَلْبَهُ وَ لَمْ يُوسِّخْ كَفَّهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُقَصِّرْ أَهْلَهُ وَ لَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَقْدَمْ فَضْلَ قَوْلِهِ مِنْ بَدَنِهِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ فَذَاكَ التَّائِبُ؛<sup>۲</sup> آیا می‌دانید توبه کننده کیست؟ گفتند: خدایا! نه. فرمود: وقتی بنده توبه کند و طلب کاران را راضی نکند، تائب نیست و کسی که توبه کند و بر عبادت نیفزاید، تائب نیست و کسی که توبه کند و لباس [نامناسب] خود را تغییر ندهد، پس تائب نیست و کسی که توبه کند و رفیقان خود را تغییر ندهد [و از دوستان ناباب فاصله نگیرد]، تائب نیست و کسی که توبه کند و محل نشستن خود را تغییر ندهد، تائب نیست و کسی که توبه کند و فرش و تکیه گاه خود را تغییر ندهد، توبه کار نیست و

۲. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۵-۳۶، ح ۵۲.

۱. مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

کسی که توبه کند و خوی و نیتش را تغییر ندهد، توبه کار نیست و کسی که توبه کند و قلبش را باز نکند (سعه صدر پیدا نکند) و دستش را توسعه ندهد (انفاق و سخاوت پیدا نکند)، تائب نیست و کسی که توبه کند ولی آرزوی خود را کوتاه نکند و زبان خود را حفظ نکند [و دست از غیبت و تهمت و ... برندارد]، تائب نیست و کسی که توبه کند و اضافه قوت و غذای خود را از بدن خود جدا نکند، تائب نیست و زمانی که [توبه کار] بر این اوصاف استقامت ورزید پس تائب است.»

اصلاح برنامه عبادی، اصلاح لباس ظاهر و باطن، اصلاح محل رفت و آمد و رفقا، اصلاح اخلاق و رفتار و اصلاح دل و دست، همه از شرائط کمال توبه به حساب می آیند.

### اثرات و پی آمدهای توبه

«توبه» از مهم ترین آموزه های تربیتی و اخلاقی است که آثار بی شمار و ره آورد گرانبها و پی آمدهای مثبت فراوانی دارد که به اهم آنها در قرآن اشاره می شود.

۱. **بازیابی شخصیت:** انسانی که مرتکب گناهی شده است، چه بخواهد و یا نخواهد احساس سرشکستگی و کوچکی می کند؛ اگر متولیان تربیت او را ملامت و تحقیر کنند، این احساس بیشتر می شود و اگر ملامتها ادامه یابد، ممکن است به آنجا برسد که کسماًلاً احساس کند شخصیت خود را از دست داده است و در این صورت است که به شدت وجود او برای خسانواده و جامعه خطرناک خواهد شد و ممکن است دست به گناه و هر جنایتی بزند؛ چون او احساس می کند همه چیز را از دست داده است.

منابع دینی مخصوصاً قرآن تلاش می کنند که با توبه و اظهار ندامت پنهانی شخصیت گناهکار را بازسازی کنند و او را به حالت اول بلکه بالاتر از آن برگردانند؛ لذا قرآن از یک طرف می فرماید: «خداوند توبه کاران را دوست می دارد.»<sup>۱</sup> و از طرف دیگر، به مردم گوشزد می کند که خلافکاران اگر برگشتند، برادران دینی شما هستند ﴿فَان﴾

تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ  
فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ؛<sup>۱</sup> «اگر توبه کنند و  
نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند،  
برادران دینی شما هستند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
فرمود: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَمْ يذَنْبْ لَهُ؛<sup>۲</sup>  
توبه کننده از گناه مانند کسی است که  
گناه ندارد.»

۲. محبوب خدا شدن: قرآن کریم  
می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ  
الْمُتَطَهِّرِينَ﴾؛<sup>۳</sup> «به راستی که خداوند توبه  
کنندگان و پاکان را دوست می‌دارد.»  
خود اظهار دوستی از مقام برتر علاوه  
براینکه افتخاری است برای محبوب و  
باعث بازیابی شخصیت گناهکار می‌شود،  
برد تربیتی و سازندگی مهمی دارد. به  
همین جهت، در تربیت فرزندان توجه  
شده است که نسبت به آنها اظهار محبت  
شود و همین طور جهت پاک و با عفت  
ماندن و با نشاط بودن همسر توصیه شده

است که شوهر اظهار محبت کند و  
بگوید: «دوستت دارم.»

خداوند متعال با آن عظمتش نسبت  
به توبه کاران اظهار محبت می‌کند و  
اعلام می‌دارد: «توبه کار دوستت دارم.»  
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «  
لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ  
مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ؛<sup>۴</sup> چیزی در نزد خداوند  
محبوب‌تر از مرد مؤمن توبه کار و زن  
مؤمن توبه کننده نیست.»

۳. بخشش گناهان: اثر مهم توبه،  
بخشیده شدن گناهان انسان گناهکار  
است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿تَوْبُوا إِلَى  
اللَّهِ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾؛<sup>۵</sup>  
«[ای مؤمنان!] به سوی خدا توبه کنید...  
امید است خداوند گناهان شما را  
بپوشاند.»

۴. تبدیل شدن سیئات به حسنات:  
اگر توبه واقعی انجام گیرد، خداوند  
علاوه بر نابودی گناهان، آنها را تبدیل به  
نیکی و حسنات می‌کند؛ چنان که می-

۱. توبه/ ۱۱.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۲۱۱۶.

۳. بقره/ ۲۲۲.

۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۲۱۱۸.

۵. تحریم/ ۸

فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛<sup>۱</sup> «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزندهٔ مهربان بوده است.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد: «یا داوودُ إِنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ رَجَعَ وَتَابَ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَاسْتَحْيَىٰ مِنِّي عِنْدَ ذِكْرِهِ غَفَرْتُ لَهُ وَأَنْسَيْتُهُ الْحَفْظَةَ وَابْدَلْتُهُ الْحَسَنَةَ وَلَا أُبَالِي وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup> ای داود! به راستی بنده مؤمن هر گاه گناهی انجام دهد، سپس برگردد و از آن گناه توبه کند، و هنگام یاد آن گناه از من حیا کند، گناه او را می‌بخشم و کاری می‌کنم که حافظان (نویسندگان) آن را از یاد ببرند و آن گناه را به حسنه تبدیل می‌کنم و [از کسی] باکی ندارم، در حالی که من مهربان‌ترین مهربانانم.»

۵. رستگاری ابدی: از مهم‌ترین آثار اخروی توبه، عاقبت به خیری و رستگاری ابدی است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛<sup>۳</sup> «ای مؤمنان! همگی به سوی خدا توبه کنید؛ شاید رستگار شوید.»

۶. آسایش ابدی: در کنار رستگاری، آسایش ابدی نیز از پی آمدهای توبه شمرده شده است: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ﴾؛<sup>۴</sup> «مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد. پس آنان داخل بهشت می‌شوند.»

۷. افزایش روزی: توبه علاوه بر آثار و برکات بی‌شمار معنوی و اخروی، اثر و برکت دنیوی و مادی نیز دارد و در ازدیاد رزق و روزی انسان نیز اثر گذار است. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ

۱. فرقان/ ۷۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۱۸۵.

۳. نور/ ۳۱.

۴. مریم/ ۶۰.

سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةِ الخَلْقِ؛<sup>۱</sup> و خداوند استغفار را وسیله دائمی فرو ریختن روزی و موجب رحمت آفریدگان [خود] قرار داده است.

و ادامه می‌دهد: «سپس [در قرآن] خود فرمود: ﴿اِسْتَفِرُّوْا رِبِّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُنْزِلُ لَكُمْ اَمْوَالَ وَ بَنِيْنَ وَ یَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلُ لَكُمْ اَنْهَارًا﴾؛<sup>۲</sup> «از پروردگار خود [با توبه] آمرزش بخواهید که بسیار آمرزنده است تا بارانهای پر برکت را از آسمان پی در پی بر شما فرو ریزد و با بخشش اموال فراوان و فرزندان شما را یاری دهد و باغستانها و نهرهای پر آب در اختیار شما گذارد.»

و در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ اَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيَحْمِدِ اللهُ تَعَالَى وَ مِنْ السُّبْطِ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللهُ وَ مَنْ حَزَنَهُ اَمْرٌ فَلْيَقُلْ

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ؛<sup>۳</sup> کسی که خدا نعمتی به او بدهد، پس باید ستایش خدای بلند مرتبه را کند و کسی که روزیش تأخیر کرده، باید از خدا طلب آمرزش کند و کسی که امری او را ناراحت کند، باید بگوید: لا حول و لا قوه اِلا بالله.»

### نمونه‌هایی از قائبان در قرآن

در قرآن داستانهای فراوانی از توبه انبیاء علیهم السلام و غیر آنان بیان و مطرح شده است که ما به جهت استفاده بیشتر و کاربردی‌تر مطرح کردن توبه، به نمونه‌هایی از توبه غیر معصومان اشاره می‌کنیم:

#### ۱. متخلفان تائب

سه نفر از مسلمانان به نام «کعب بن مالک»، «ضرارة بن ربیع» و «هلال بن امیه» از شرکت در جنگ تبوک و حرکت همراه پیامبر سرباز زدند، ولی این به خاطر آن نبود که جزء دار و دسته منافقان باشند، بلکه به خاطر سستی و

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه

۱۴۳، ص ۲۶۲.

۲. نوح / ۱۰-۱۲.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۱، ح ۳۰.

تنبلی بود و چیزی نگذشت که نادم و پشیمان شدند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از صحنه تبوک به مدینه بازگشت، آنها خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و عذرخواهی کردند؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله حتی یک جمله با آنها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آنها سخن نگوید.

آنها در یک محاصره عجیب اجتماعی قرار گرفتند، تا آنجا که حتی کودکان و زنان آنان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و اجازه خواستند که از آنها جدا شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه جدایی نداد، ولی دستور داد که به آنها نزدیک نشوند. فضای مدینه با تمام وسعتش چنان بر آنها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این خواری و رسوایی بزرگ، شهر را ترک گویند و به کوههای اطراف مدینه پناه ببرند.

اینها همه زمینه توبه را در آنها فراهم می‌کرد. از جمله مسائلی که حالت توبه را در آنها ایجاد کرد این بود که کعب بن

مالک می‌گوید: روزی در بازار مدینه با ناراحتی نشسته بودم، دیدم یک نفر مسیحی شامی سراغ مرا می‌گیرد. هنگامی که مرا شناخت، نامه‌ای از پادشاه غسان به دست من داد که در آن نوشته بود: اگر صاحب تو را از خود رانده، به سوی ما بیا! حال من منقلب شد [ و اشک در چشمانم حلقه زد و ] گفتم: ای وای بر من! کارم به جایی رسیده که دشمنان در من طمع کرده‌اند.

از طرف دیگر، بستگان آنها غذا برای آنها می‌بردند. اما حتی یک کلمه با آنها سخن نمی‌گفتند. مدتی به این منوال گذشت و پیوسته شب و روز انتظار می‌کشیدند که توبه آنها قبول شود و آیه‌ای که دلیل بر قبولی توبه آنها باشد، نازل گردد، اما خبری نمی‌شد. در این هنگام، فکری به نظر یکی از آنان رسید و به دیگران گفت: اکنون که مردم با ما قطع [رابطه] کرده‌اند، چه بهتر که ما هم از یکدیگر قطع رابطه کنیم. این کار بر حال توبه آنها افزود. پیشنهاد عملی شد؛ به طوری که حتی یک کلمه با یکدیگر

سخن نمی‌گفتند، ولی بر تضرع و زاری آنها افزوده شد. این وضعیت پنجاه روز طول کشید و در طول این مدت، اظهار ندامت و پشیمانی و تضرع و گریه و زاری در پیشگاه الهی داشتند. سرانجام توبه آنان پذیرفته شد و این آیه به عنوان پذیرفته شدن توبه آنان نازل گشت: ﴿وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ

عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَن لَّمْ يَلْجَأْ مِنْ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۱</sup> « و آن سه نفر که [در مدینه] بازماندند [و از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند و مسلمانان با آنان قطع رابطه کردند] تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ آمد و [حتی] جایی در وجود خویش برای خود نمی‌یافتند و دانستند که پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. در آن هنگام، خدا به آنان

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱۴، ح ۷، ص ۱۳۴.

ح ۲.

۲. توبه، ۱۱۸.

توفیق توبه داد تا توبه کنند و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.»

از آیه فوق و شأن نزول آن به دست آمد که مردم و جامعه و رهبران جامعه باید تلاش کنند هم راه توبه را برای مجرمان بازگذارند و هم زمینه آن را فراهم کنند؛ چرا که توبه در تحویل و سازندگی نقش مؤثری دارد.

## ۲. توبه غلام وحشی، قاتل حمزه

یکی از مشکل‌ترین و تلخ‌ترین حوادث برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت فجیع عموی بزرگوارش حضرت حمزه سید الشهداء علیه السلام بود. قاتل حمزه (وحشی) پس از کشتن حمزه، پهلوی او را درید و جگرش را به عنوان هدیه برای هند، همسر ابوسفیان برد. پیامبر با دیدن منظره فجیع شهادت حمزه، سوگند یاد کرد که به تلافی این جنایت، هفتاد نفر از مشرکان را بکشد؛ ولی بعداً نه تنها چنین تلافی نکرد، بلکه همان قاتل را نیز به سوی اسلام دعوت کرد و او را وادار به توبه ساخت.



ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را نزد وحشی قاتل عمویش فرستاد تا او را به اسلام دعوت کند. وحشی به فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: به او بگو: تو می‌گویی آن که مرتکب قتل یا شرک یا زنا شود، در روز قیامت یا ذلت گرفتار عذابی مضاعف خواهد شد و من تمام این کارها و گناهان را مرتکب شده‌ام، آیا باز هم راه برایم باز است؟ خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأَلَيْكَ يُمْدِدُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾<sup>۱</sup> «مگر آن که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. پس خدا اعمال زشت ایشان را به اعمال نیک تبدیل می‌کند.»

وحشی با شنیدن این آیه دوباره به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد: توبه و ایمان و عمل صالح شرطهای بسیار مشکلی است و من توان آن را ندارم. پس از مدتی این آیه نازل شد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ شَاءَ﴾<sup>۲</sup> «به راستی که خداوند شرک

ورزیدن را نخواهد بخشید، ولی آنچه را کمتر از آن است، برای کسی که بخواهد، خواهد بخشید.»

وحشی در پیام مجدد خود گفت: خداوند در این آیه وعده مغفرت را به کسانی داده است که خود بخواهد و من نمی‌دانم خدا می‌خواهد مرا ببخشد یا نه؟ پس از گذشت زمانی آیه ذیل نازل شد: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۳</sup> «بگو ای بندگان من که بر خویش اسراف روا داشته‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید. به راستی که خداوند همه گناهان را می‌بخشد. همانا او آمرزنده و مهربان است.»

وحشی با شنیدن این آیه گفت: اکنون آری. آن گاه به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد، اسلام آورد و از گذشته خود توبه کرد و در ادامه زندگی - اش فداکاریهایی در راه مبارزه با دشمنان اسلام کرد.<sup>۴</sup>

۳. زمر / ۵۳.

۴. حیاة الصحابه، کاهلوندی، بیروت، دارالفکر،

۱. فرقان / ۷۰.

۲. نساء / ۴۸.

۳. ج ۱، ص ۴۱.